یادداشت

آموزش‌وپرورش و هویت ملی

صالح سوری
صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول فصلنامه «بافه»

هویت ملی از بنیادی‌ترین ارکان انسجام اجتماعی و از مهم‌ترین سرمایه‌های جوامع هم برای انسجام اجتماعی و امیدبخشی عمومی و هم در مواجهه با بحران‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی به شمار می‌آید. هویت ملی را نمی‌توان صرفا در مجموعه‌ای از نمادها، خاطرات تاریخی، زبان، سرزمین، آیین‌ها و آداب و رسوم مشترک خلاصه کرد؛ بلکه این مفهوم، در ژرفای خود، احساس تعلق به یک جامعه سیاسی - تاریخی، پذیرش و پاسداشت بخشی از میراث مشترک، احساس مسئولیت در قبال سرنوشت جمعی و باور به افقی مشترک برای آینده را نیز دربر می‌گیرد. از همین رو، هویت ملی بیش از آنکه امری ایستا و میراثی صرف باشد، فرایندی پویا و مستمر است که در بستر تجربه‌های مشترک اجتماعی شکل می‌گیرد، استحکام می‌یابد و از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند. در این میان، مدرسه و نظام آموزش‌وپرورش، در شمار مؤثرترین نهادهای شکل‌دهنده، بازتولیدکننده و انتقال‌دهنده هویت ملی قرار دارند؛ زیرا بخش مهمی از فرایند جامعه‌پذیری و شکل‌گیری نگرش، ارزش‌ها و تعلقات نسل جدید در فضای مدرسه و از رهگذر تجربه‌های آموزشی و تربیتی آن صورت می‌پذیرد. مدرسه نه‌تنها محل انتقال دانش، بلکه عرصه‌ای برای آموختن هم‌زیستی، تجربه تعلق جمعی و بازشناسی نسبت فرد با جامعه، سرزمین و تاریخ خویش است. در ایران، اهمیت این نقش به سبب تنوع چشمگیر قومی، زبانی، مذهبی و جغرافیایی کشور، اهمیتی دوچندان می‌یابد. نظام آموزشی می‌تواند این گوناگونی‌های هویتی را نه در تعارض با یکدیگر، بلکه در ذیل چتری فراگیر از هویت ملی به پیوندی معنادار و سازنده بدل کند.

هویت ملی و جنگ‌های تحمیلی اخیر

حملات تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل به ایران، موضوع هویت ملی را در ایران برجسته کرد و احساس تعلق ملی و همبستگی حول مفهوم ایران را افزایش داد و موجب شد بخشی از جامعه، حتی گروه‌هایی که به سیاست‌های حکومت انتقاد داشتند، در برابر تهدید خارجی میان «ایران» به‌عنوان یک اجتماع تاریخی - سرزمینی و «حکومت» به‌عنوان یک ساختار سیاسی تمایز قائل شوند و از تمامیت ارضی کشور دفاع کنند. از جمله نهادهایی که تحت تأثیر فضای ایجادشده قرار گرفت، آموزش‌وپرورش بود و گفتمان هویت ملی و تقویت هویت ملی تبدیل به یکی از کلیدواژه‌های پرکاربرد در آموزش‌وپرورش شد. اگرچه بر اساس مطالعات صورت‌گرفته و بخش زیادی از مقالات علمی - پژوهشی که در بیش از سه دهه گذشته منتشر شده‌اند، موضوع هویت ملی آن‌طور که باید و شاید در بخش‌های گوناگون آموزش‌وپرورش از جمله کتاب‌های درسی و برنامه‌های پرورشی و فضاهای آموزشی مورد توجه قرار نگرفته است؛ اما جنگ‌های تحمیلی سال گذشته موجب شد که هویت ملی تبدیل به یکی از موضوعات جدی آموزش‌وپرورش شود و هویت ملی در اظهارات علیرضا کاظمی، وزیر آموزش‌وپرورش، جایگاه قابل‌توجهی پیدا کند.

کاظمی در دی‌ماه ۱۴۰۴، در آیین چهلمین سالگرد تأسیس شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، آموزش‌وپرورش را دارای نقشی اساسی در شکل‌گیری باورها و هویت ملی دانست و تصریح کرد که «زیرساخت شکل‌گیری باورها و هویت ملی در مدرسه و آموزش‌وپرورش بنا می‌شود». او همچنین با اشاره به تنوع قومی، زبانی، مذهبی و جغرافیایی ایران، بر ضرورت تعمیق باورها، هنجارها و ارزش‌های مشترک برای حفظ انسجام اجتماعی تأکید کرد. اهمیت این سخنان در آن است که وزیر، مسئله هویت را در کنار انسجام اجتماعی، برنامه درسی و اجرای سند تحول بنیادین قرار داده است. او در همان سخنان، برنامه درسی را یکی از مهم‌ترین حوزه‌های نیازمند تحول دانست و اذعان کرد که اگرچه مؤلفه‌های فرهنگی در محتوای آموزشی حضور دارند، اما زمینه نهادینه‌شدن هویت و ارزش‌ها در کلاس درس همچنان محدود است. این رویکرد در سال ۱۴۰۵ نیز ادامه یافته است. کاظمی در شهریور ۱۴۰۵، تقویت هویت ملی و دینی را از محورهای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی آموزش‌وپرورش معرفی کرد و گفت بازطراحی برنامه درسی پایه اول ابتدایی در سال گذشته با رویکردهایی از جمله تقویت هویت ملی و دینی انجام شده و بازطراحی پایه‌های بعدی نیز در حال پیگیری است. او همچنین در شهریور ۱۴۰۵، «عدالت، کیفیت و هویت» را سه محور اصلی تحول آموزش‌وپرورش و «روح حاکم بر سند تحول بنیادین» معرفی کرد و تقویت هویت ملی را از موضوعات محوری برنامه‌های تربیتی آموزش‌وپرورش دانست. این مواضع نشان می‌دهد که در سیاست‌گذاری رسمی آموزش‌وپرورش، هویت از یک موضوع صرفا فرهنگی به یکی از سه محور سیاست‌گذاری تحول نظام تعلیم‌وتربیت ارتقا یافته است. اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، توجه به هویت ملی در اسناد و سیاست‌های بالادستی آموزش‌وپرورش ایران است. توجه به هویت ملی در آموزش‌وپرورش یک موضوع جدید و واکنشی به شرایط جنگی نیست؛ بلکه به یاد داشته باشیم که از سال ۱۳۹۰ به صورت صریح در سیاست‌های کلی این حوزه تثبیت شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

هویت ملی و «سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش‌وپرورش»

سند «سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش‌وپرورش کشور» که در سال ۱۳۹۲ ابلاغ شده است، در بند دو آن به‌صراحت آموزش‌وپرورش را نهادی برای تولید سرمایه اجتماعی معرفی کرده و در بند نخست این سیاست‌ها، از تربیت انسان‌هایی با ویژگی‌هایی مانند «مسئولیت‌پذیر، قانون‌گرا، عدالت‌خواه، خردورز، خلاق، وطن‌دوست، جمع‌گرا، خودباور و ایثارگر» نام برده است. در بند ۱-۴ این سند «بر روزآمدسازی محتوای تعلیم‌وتربیت و تدوین برنامه درسی ملی با «اهتمام به تقویت فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی» تأکید کرده و در بند ۳-۵ نیز بر جامعه‌پذیری برای تحکیم وحدت و همبستگی ملی، وطن‌دوستی و پاسداشت استقلال و منافع ملی تأکید دارد.

هویت ملی در «سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش»

سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش به‌عنوان مهم‌ترین سند راهبردی آموزش‌وپرورش ایران که در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای‌عالی آموزش‌وپرورش و شورای‌عالی انقلاب فرهنگی رسیده، به‌صراحت بر هویت ملی تأکید کرده است. در این سند، از «صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی - ایرانی» و نیز «وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی» به‌عنوان بایدها و نبایدهایی اساسی «که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم‌وتربیت رسمی عمومی هماهنگ با آنها بوده و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پایبند به آنها باشند» یاد شده است. از میان راهکارهای اجرائی سند، راهکار ۱/۷ بر «ایجاد سازوکارهایی برای تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی و احیای هویت اسلامی - ایرانی در دانش‌آموزان و معلمان» تأکید می‌کند و آموزش و اجرای سرود ملی و برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران در مدارس را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و در راهکار ۱/۵ نیز هرچند به «ارائه آموزش زبان خارجی» اشاره می‌کند؛ اما از «رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی» نیز غفلت نکرده است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

پارادوکس مانع‌زدایی در اتاق‌های دربسته

تبارشناسی «آیین‌نامه رفع موانع تجدیدپذیرها»؛ چرا سرمایه از ریسک نمی‌ترسد، اما از بی‌قاعدگی می‌گریزد؟

محمدمهدی صمدی

عکس: امیرحسین جامه‌بزرگ، آنا

در اقتصاد سیاسی انرژی یک قاعده کهن و اثبات‌شده وجود دارد: بحران‌ها یا به «اصلاح قواعد بازی» ختم می‌شوند یا به «تکثیر بخش‌نامه‌ها». زمانی که ناترازی برق (کمبود برق) از مرز نگران‌کننده ۲۰ هزار مگاوات عبور می‌کند، خطوط تولید و کارخانه‌های مادر در تابستان با خاموشی‌های اجباری متوقف می‌شوند و افق پاییز و زمستان نیز با محدودیت‌های شدید سوخت گاز گره می‌خورد، نظام تصمیم‌گیری ناگزیر به واکنش نشان‌دادن است. ابلاغ تصویب‌نامه شماره ۲۶۰۷۳ هیئت وزیران در اواخر خرداد ۱۴۰۵ با عنوان «آیین‌نامه رفع موانع احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر»، برآمده از همین اضطرار ملی و درک دیرهنگام دولت از بن‌بست انرژی است. اما اگر قرار است سیاست‌گذاری عمومی از گرداب تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته رهایی یابد، باید با نگاهی کارشناسی، منصفانه و در عین حال واقع‌بینانه پرسید: آیا این سند توانسته به پدیده دیرینه «متافیزیک انرژی» پایان دهد، یا صرفاً زمین بازی آن را بازتعریف کرده است؟ هم‌اکنون با سپری‌شدن چند ماه از ابلاغ این مصوبه و حدود ۳۰ ماه از مصوبه پایه، تجربه زیسته کشور نشان داده است که انرژی در ایران، پیش از آنکه متغیری فنی باشد، پدیده‌ای درهم‌تنیده با اقتصاد سیاسی، اعتماد اجتماعی و امنیت ملی است. همان‌گونه که در سایر پرونده‌ها از جمله مدیریت مصرف سوخت آموختیم تغییر اعداد روی تابلوها بدون بازآرایی ساختار حکمرانی و اقناع ذی‌نفعان به بن‌بست می‌رسد، در حوزه برق تجدیدپذیر نیز توسعه پایدار با صدور بخش‌نامه‌های بدون ضمانت محقق نخواهد شد. موفقیت یک مصوبه در این است که قواعد بازی را از اتاق‌های دربسته تصمیم به تابلوی شفاف و رقابتی بازار منتقل سازد.

گام‌های مثبت؛ وقتی سیاست‌گذار پیام بازار را می‌شنود

انصاف کارشناسی حکم می‌کند که پیش از پرداختن به آسیب‌ها، نقاط عطف و شجاعانه این مصوبه در کنار توسعه بیش از ۴۰۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی در این دولت، مورد توجه قرار گیرد. دولت در این سند، برخی از مهم‌ترین مطالبات تاریخی بخش خصوصی را به رسمیت شناخته است.

● تثبیت مالکیت و نفی قیمت‌گذاری دستوری: طبق ماده (۹)، مالکیت سرمایه‌گذار بر برق تولیدی تا پایان عمر نیروگاه تثبیت شده و هرگونه اعمال نرخ تکلیفی ممنوع اعلام شده است؛ ماده‌ای که شالوده اصلی پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی طرح‌ها به شمار می‌رود.

● تنوع‌بخشی به درآمد و مصونیت تابلوی سبز: تجویز صادرات برق در ایام غیرپیک (ماده ۱۰)، مصونیت معاملات تابلوی سبز از هزینه‌های انتقال تحمیلی و وضع جریمه ۱.۴ برابری توانیر برای عدم تحویل برق معامله‌شده (ماده ۱۵)، گام‌هایی اطمینان‌بخش در جهت تضمین جریان نقدینگی و جبران عدم‌النفع ناشی از محدودیت‌های شبکه است.

● تسهیل مقررات اراضی: تعیین اجاره‌بهای دوره ساخت معادل ۲۰ درصد ارزش منطقه‌ای (ماده ۳) و الزام دستگاه‌ها به پاسخ‌گویی دوهفته‌ای در بستر پنجره واحد زمین با حاکمیت قاعده «سکوت به منزله موافقت» (تبصره ماده ۵)، فرسایش اداری توسعه‌دهندگان را در خطوط مقدم کاهش می‌دهد که البته این مهم نیز اکثرا تحقق عملیاتی نداشته است.

این مفاد نشان می‌دهد اراده‌ای در بدنه اجرایی برای درک سیگنال‌های اقتصادی وجود دارد. با این حال، تضادهای بنیادین در لایه‌های زیرین آیین‌نامه، مانع از آن می‌شود که این گام‌های مثبت به یک رنسانس ساختاری در صنعت برق تبدیل شوند.

چالش نخست: پایداری تعارض منافع در غیاب رگولاتور مستقل

بزرگ‌ترین گره اقتصاد برق ایران، هم‌پوشانی نامتعارف وظایف حاکمیتی، تصدی‌گری و نظارتی در یک نهاد واحد است. ماده (۱۳) آیین‌نامه، تدوین بسته نظام تنظیم‌گری تولید برق تجدیدپذیر را به وزارت نیرو واگذار کرده است. این در حالی است که در الگوهای پیشرفته حکمرانی انرژی، قاعده بنیادین بر تفکیک کامل «سیاست‌گذار»، «تنظیم‌گر» و «بهره‌بردار» استوار است. وزارت نیرو در حال حاضر، هم بزرگ‌ترین مالک نیروگاه‌های سنتی و رقیب بخش خصوصی است، هم متولی انحصاری شبکه انتقال و توزیع، هم طراح قواعد و هم خریدار برق! همچنین نحوه توسعه حاضر، مجدد وزارت نیرو (ساتبا) را به‌عنوان بازیگر اصلی توسعه نیروگاه خورشیدی مبدل کرده است. وقتی بازیگر اصلی شبکه، خود هم‌زمان داور مسابقه و رقیب میدان باشد، اقتصاد انرژی از «تنظیم‌گری بازار» به سمت «توزیع گزینشی فرصت‌ها» تغییر ماهیت می‌دهد. تنظیم‌گری عادلانه نیازمند نهادی مستقل، فراوزارتی و بی‌طرف (نظیر ساختاری ذیل شورای عالی انرژی با مشارکت فعال تشکل‌های تخصصی و نمایندگان بخش خصوصی) است تا امنیت سرمایه را در برابر تغییر اولویت‌های فصلی دستگاه‌های اجرایی تضمین کند. سرمایه‌گذار واقعی از ریسک فنی، نوسان اقلیمی و محاسبات مالی هراسی ندارد؛ زیرا این متغیرها در مدل‌های اقتصادی قابل شبیه‌سازی هستند. آنچه سرمایه را فراری می‌دهد، عدم قطعیت در رفتار داوری است که خود در زمین رقابت ذی‌نفع است.

چالش دوم: سهمیه‌بندی تجهیزات و احیای ناخواسته فرصت سودجویانه

ماده (۷) آیین‌نامه با هدف ساماندهی تأمین تجهیزات تا سقف ۳۰ هزار مگاوات، سازوکار ثبت سفارش و تعیین سهم ساخت داخل را به تصمیم مشترک دستگاه‌های دولتی واگذار کرده و بر «تجمیع تقاضا» تأکید کرده است. اگرچه استفاده از اقتصاد مقیاس برای تعدیل هزینه‌ها رویکردی منطقی است، اما مرز بسیار باریکی میان «قدرت خرید ملی» و «قدرت تخصیص دولتی» وجود دارد که غفلت از آن، به توزیع رانت و سهمیه‌بندی منجر می‌شود. تجربه زیسته صنعت برق نشان می‌دهد هر جا سقف‌های موردی و تأییدهای سلیقه‌ای متولد می‌شوند، امتیاز دسترسی به مسیر تأمین کالا بر ارزش فنی و اقتصادی خود پروژه غلبه می‌کند. تجهیزات نیروگاهی (پنل، اینورتر و متعلقات، سازه) تا ۷۰ درصد هزینه کل سرمایه‌گذاری (CAPEX) را تشکیل می‌دهند. سرمایه‌گذار و صنایع باید از حق بنیادین انتخاب میان فناوری‌ها، برندهای معتبر بین‌المللی و زنجیره‌های ارزش رقابتی برخوردار باشند. حمایت از تولید داخل نباید از مسیر ممنوعیت‌های اداری و امضاهای خاص پیگیری شود، بلکه باید در قالبی مدون، تعرفه‌ای، پلکانی و مبتنی بر استانداردهای جهانی (مانند IEC) در چارچوب کتاب مقررات صادرات و واردات سامان یابد تا شفافیت بازار خدشه‌دار نشود.

چالش سوم: دسترسی همگانی به اطلاعات شبکه؛ پایان امضاهای پنهان

در اقتصاد مدرن، حیاتی‌ترین دارایی اقتصادی «اطلاعات نامتقارن» است. یک پروژه نیروگاهی زمانی متولد می‌شود که ساختگاه‌ها، ظرفیت خالی پست‌های انتقال و خطوط اتصال مشخص باشد. اگر داده‌های ظرفیت شبکه در پست‌های فوق‌توزیع و انتقال به صورت عمومی و شفاف منتشر نشود، دسترسی اختصاصی به این آمار به یک مزیت نامتعارف اقتصادی و اهرم رانت بدل می‌شود. آیین‌نامه رفع موانع می‌توانست با شجاعت، توانیر و ساتبا را مکلف سازد تا «محل ساختگاه‌ها و نقشه برخط GIS ظرفیت آزاد شبکه» را در دسترس عموم سرمایه‌گذاران قرار دهند. شفافیت اطلاعاتی، ابزاری اساسی برای کاهش هزینه مبادله و مهار جریان واسطه‌گری در خرید و فروش مجوزها و ساختگاه‌هاست.

چالش چهارم: تعلیق در اجرا؛ آفت ارجاع به دستورالعمل‌های نیامده

عارضه ساختاری دیگر در نگارش این تصویب‌نامه، معلق گذاشتن بندهای کلیدی بر تدوین شیوه‌نامه‌های بعدی است. بسته تأمین مالی ارزی-ریالی بانک مرکزی (ماده ۸)، ضوابط احداث ۵۰۰۰ مگاوات خورشیدی پشت‌بامی و پدافندی (ماده ۱۴) و دستورالعمل ترخیص گمرکی، همگی به آینده نامعلوم موکول شده که روند پیشرفت اکثر آن، مورد اطلاع عموم نیست. بدون تعیین ضرب‌الاجل‌های انقضا و حاکمیت اصل «تصویب پیش‌فرض»، طرح‌ها ماه‌ها در راهروهای کمیسیون‌های فرعی متوقف می‌مانند. قوانین اقتصادی هرچه کوتاه‌تر، شفاف‌تر و مستقیم‌تر به متغیرهای بازار وصل شوند، احتمال اجرای واقعی آنها در بستر عمل افزایش می‌یابد.

عبور از تصمیم‌گیری تک‌ساحتی به حکمرانی شفاف

توسعه انرژی تجدیدپذیر در ایران (در کنار سایر فرصت‌های مرتبط با بازار انرژی) امروز دیگر یک انتخاب لوکس یا نمایش صنعتی نیست؛ بلکه ضامن بقای تولید، پایداری شبکه و حفاظت از امنیت زیستی کشور است. اما حل این چالش با تکرار الگوهای مدیریتی گذشته و تعویق مداوم وعده‌ها ممکن نخواهد بود. دولت برای تحقق عملی آیین‌نامه رفع موانع، باید نقش خود را از «مجری مداخله‌گر و تخصیص‌دهنده منابع» به «معمار بی‌طرف قواعد بازار» تغییر دهد. اگر اطلاعات ساختگاه‌ها و ظرفیت شبکه شفاف شود، تخصیص ارز به یک متغیر اقتصادی قابل محاسبه تبدیل شود، تعارض منافع در رگولاتوری مهار شود و به حق انتخاب مهندسی سرمایه‌گذاران احترام گذاشته شود، جریان سرمایه‌گذاری بدون نیاز به فشار اداری راه خود را خواهد یافت. آینده صنعت برق ایران نباید در پشت درهای بسته رقم بخورد؛ آینده این سرزمین در تالار شیشه‌ای شفافیت، با تکیه بر استانداردهای مهندسی و در میدان رقابت سالم بازار ساخته می‌شود.

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله ای
حفاری و خاکبرداری و حمل خاک، حفاری و اجرای فونداسیون سوله و نصب سوله
انبارنهاده های دامی شمیران واقع در میدان زرد بند

مدیریت امور عشایر استان تهران در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله ای حفاری و خاکبرداری و حمل خاک، حفاری و اجرای فونداسیون سوله و نصب سوله انبارنهاده های دامی شمیران واقع در میدان زرد بند به شماره ۲۰۰۵۰۰۳۰۴۲۰۰۰۰۰۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴
- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۷/۲۰
- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۰۷/۲۰

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۱/۳۸۰/۹۹۶/۵۰۰ ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه :
شرکت مشاور آبسان پارس ۰۹۱۲۳۸۶۳۳۸۳
تهران، خیابان طالقانی، خیابان شهید برادران مظفر شمالی، نبش بن بست کیا، مدیریت امور عشایر استان تهران

سند مالکیت راهور موتورسیکلت نیکتاز ۲۰۰cc
باشماره پلاک ایران ۳۹۹-۵۶۳۸۶ و شماره شاسی NEFACEKCERAB03091 و شماره موتور 0197NEF160077 بنام سعیده برغمان
مفقود گردیده است و ازدرجه اعتبار ساقط است

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجانب فریبا ایرانی** فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۵۹۷۹، به کد ملی ۰۰۶۳۶۰۶۵۵۰، صادره از تهران در مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر مورخ سال ۱۳۸۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده خواهشمند است دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر به آدرس: اسلامشهر، میدان نماز، خیابان صیاد شیرازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر ارسال نماید.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۱,۴۰۵) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵/۰۶/۱۶) نوبت دوم: (۱۴۰۵/۰۶/۳۱)
نام روزنامه : شرق

۱ - تقاضای «فریده روحی» فرزند «هوشنگ» نسبت به «ششدانگ یک باب ساختمان» بمساحت «۶۱,۵۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۱۷۶» فرعی از «۱۰» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرولی بیرانوند»

۲- تقاضای «فریده روحی» فرزند «هوشنگ» نسبت به «ششدانگ یک باب ساختمان» بمساحت «۹۴,۳۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۴۹۱» فرعی از «۴۵» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد وحدتی»

۳- تقاضای «امیر رشیدی اصل» فرزند «علی مراد» نسبت به «ششدانگ یا باب ساختمان» بمساحت «۱۱۷,۶۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۰» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه « علی مراد»

۴ - تقاضای «احمد قنبری» فرزند «شاحسن» نسبت به «ششدانگ یک باب ساختمان» بمساحت «۱۱۵,۰۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۴۶۵» فرعی از «۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی فرهمند»

۵ - تقاضای «کامران محمدی سراب یاس» فرزند «رستم» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۶۱۴۶,۵۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۳» فرعی از «۳۵» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «دوسته امیری»

۶- تقاضای «کامران محمدی سراب یاس» فرزند «رستم» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۰۷۶,۱۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۸» فرعی از «۳۵» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «احمد قلاوندی»

۷ - تقاضای «فاطمه موسوی» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ یا باب ساختمان» بمساحت «۳۱۱,۵۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۰۴» فرعی از «۴۲» اصلی واقع در بخش «۶» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نبی اله موسوی»

۸ - تقاضای «مسعود بیگی نژاد» فرزند «تقی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۴۰۶,۵۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۱۵» فرعی از «۴۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «میرولی رش»

۹ - تقاضای «علی سپه وند» فرزند «اسماعیل» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۴۰۶,۵۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۲۶» فرعی از «۴۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «میرولی رش»

۱۰- تقاضای «خانم مهوش پاخیره زن» فرزند «عسکر» نسبت به «۳۰,۷۲۲۹» سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ به استثناء ثمنیه عصه وعیان زمین مزروعی»و «خانم شهرزاد پاخیره زن » فرزند «عسکر» نسبت به «۳۰,۷۲۲۹» سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ به استثناء ثمنیه عصه وعیان زمین مزروعی »و «آقای منصور پاخیره زن » فرزند «عسکر» نسبت به «۶۱,۴۴۵۸» سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ به استثناء ثمنیه عصه وعیان زمین مزروعی »و «آقای نادر افشار مهر » فرزند «عسکر» نسبت به «۱۴۲,۰۴۷۳»سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ به استثناء ثمنیه عصه وعیان زمین مزروعی »بمساحت «۴۲۱۵۰,۱۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۰۸۹» فرعی از «۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عسگر پاخیزه زن»

شناسه : ۲۲۶۴۹۶۱

فرشاد بازوندی نژاد
رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد ۴۰۵۷